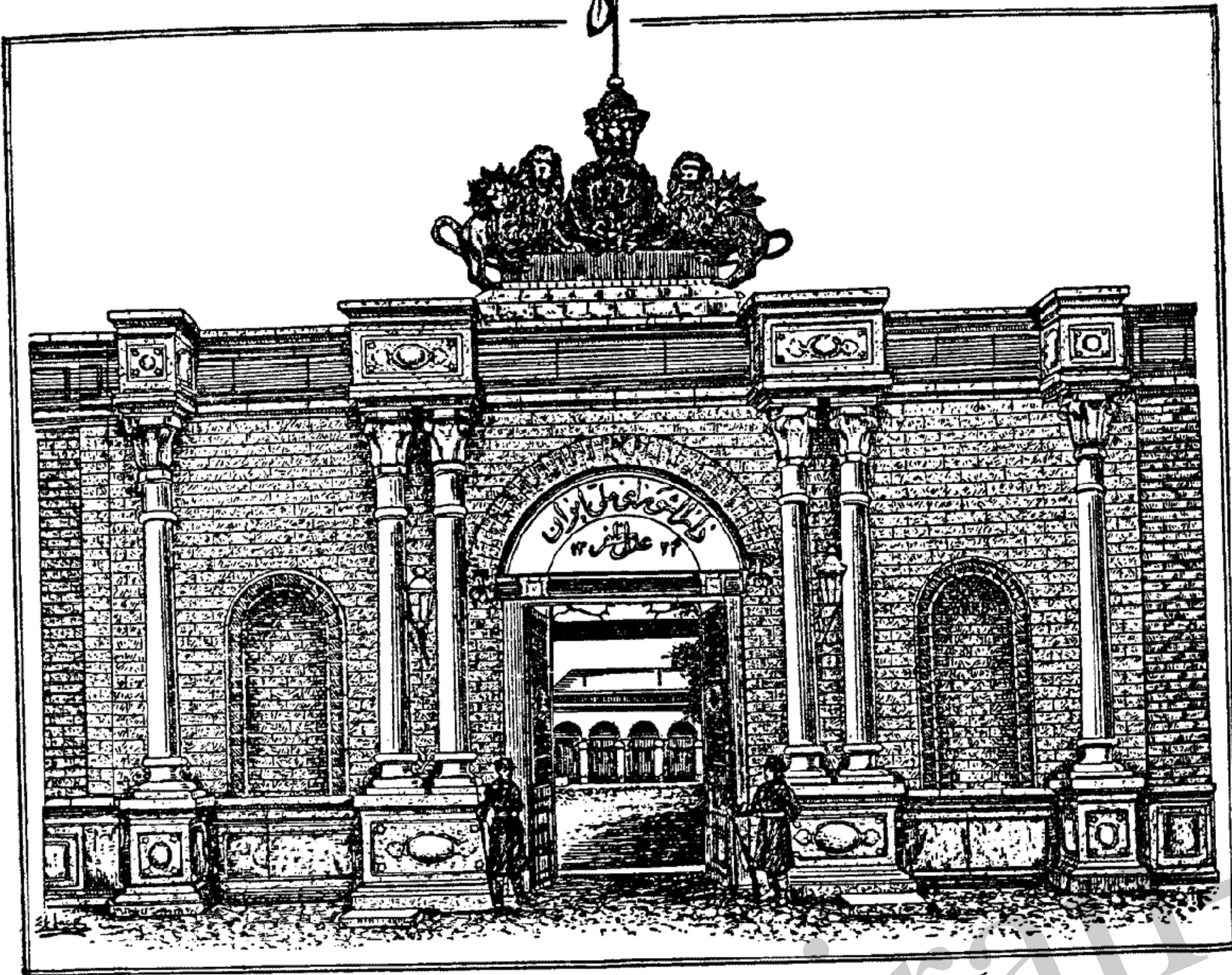


دوره ششم تقنینیه

|   |   |   |
|---|---|---|
| <p>جلسه<br/>۱۷۷</p>   | <h1>مذاکرات مجلس</h1>   | <p>شماره<br/>۱۴۲</p>  |
| <p>تاریخ تأسیس آذر<br/>۱۳۰۵<br/>جلسه پنج شنبه ۱۶<br/>آذر ماه ۱۳۰۶<br/>مطابق ۱۳ جمادی الثانیه<br/>۱۳۴۶</p> | <p>مندرجات<br/>فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی<br/>خواهد بود<br/>پس از ختم هر جلسه کتبه مذاکرات در بک شماره منتشر میشود.<br/>مطبعة مجلس</p> | <p>قیمه اشتراك<br/>داخله ایران سالانه ده تومان<br/>خارجه « دوازده تومان<br/>قیمه نك شماره<br/>يك قران</p> |

# فهرست مندرجات

| نمبره | عنوان  | از صفحه | الی صفحه |
|-------|--|---------|----------|
| ۱     | بقیه شور نسبت به لایحه مجازات مختلفین اموال دولتی و تصویب آن | ۲۸۶۸    | ۲۸۸۲     |
| ۲     | قانون مجازات مختلفین اموال دولتی                             |         | ۲۸۸۲     |



## مذاکرات مجلس

### دوره ششم تقنینیه

صورت مشروح مجلس پنجشنبه ۱۶ آذر ماه ۱۳۰۶ مطابق ۱۲ جمادی الثانی ۱۳۴۶

#### جلسه ۱۷۷

( مجلس دو ساعت قبل از ظهر بریاست آقای پیرنیا تشکیل گردید )  
 ( صورت مجلس روز سه شنبه ۱۴ آذر ماه را آقای بنی سلیمان قرائت نمودند )  
 رئیس - در صورت مجلس ایرادی هست یا نه ؟  
 ( گفتند - خیر )  
 رئیس - صورت مجلس تصویب شد

رئیس - پیشنهاد آقای بامداد در جلسه گذشته قرائت شد توضیح هم دادند حالا باید رأی بگیریم.  
بامداد - اجازه میفرمائید؟ بنده آن را مسترد میدارم بجایش يك پیشنهاد دیگر تقدیم کرده ام.

رئیس - همان پیشنهاد است، پیشنهاد کرده اید که از اول مشروطیت باشد، قرائت میشود و رأی میگیریم (بشرح آن خوانده شد)

پیشنهاد میکنم، مختلسین از اول مشروطیت تا بحال مشمول این قانون بوده باشند

رئیس - رأی گرفته میشود بقابل توجه بودن این پیشنهاد آقایان که قابل توجه میدانند قیام فرمائید (بواسطه کثرت نشست و برخاست بعضی از آقایان نمایندگان عده موافقین متزلزل بود و رأی مشکوک فیه شد رئیس - اگر اجازه میفرمائید با ورقه رأی بگیریم؟

بعضی از نمایندگان - صحیح است  
آقا سید یعقوب - بنده اجازه میخواهم این پیشنهادی که شده مذاکره درش نشده است  
رئیس - در جلسه گذشته مذاکره شده است کافی نبود که رأی بگیریم.

آقا سید یعقوب - این پیشنهاد نبود  
رئیس - عین همین مطلب را شفاهاً گفتند و توضیح دادند چون عده کافی نبود بنا شد این جلسه رأی بگیریم ( اخذ آراء بعمل آمده ۴۳ ورقه سفید تعداد شد )

اسامی رأی دهندگان  
آقایان . خواجهوی - بامداد - عصر انقلاب - کی استوان - میرزا هاشم آشتیانی - بهار - میرزا سید مهدی معتمد - بدر - شیخ الاسلام ملازیری - حاجی میرزا مرتضی - کلالی - احتشامزاده - نگهبان - عراقی - امام جمعه اهر - ثقة الاسلامی - دهستانی - زوار - افشار

صالحی - میرزا حسن آیه الله زاده - معظمی - محمد تقی خان اسعد - وزیری - کازرون - ليقوان - عدل - پالیزی - بچی خان زنگنه - ابراهیمی - اسکندری - دکتر رفیع خان امین - نابت - فرنی - جهانشاهی تقی زاده - سید جواد محقق - سلطان محمد خان عامری فبروز آبادی - سید ابراهیم ضیاء - دکتر لقمان - حشمتی دکتر هادی طاهری

رئیس - عده حاضر نود، موافقین چهل و سه، قابل توجه نشد

یکی از نمایندگان - تنفس عمادی - نه آقا من مخالف پیشنهاد آقای ملک مدنی

پیشنهاد مینمایم جمله ذیل بنام تبصره اضافه شود تبصره - اشخاصی که ملکی فروخته اند بعد معلوم میشود که قبلاً بدیگری انتقال داده یا صلح نموده اند باید مورد تعقیب و مواد قانون مجازات در باره آنها اجرا شود

مدرس - آن ماده قانونی دارد  
رئیس - عرض کنم این تبصره است بعد میبایستی قرائت شود، عجله پیشنهاد هائی که راجع بماده اول است قرائت میشود، پیشنهاد آقای موقر ( اینطور خوانده شد )

بنده پیشنهاد میکنم که در لایحه عبارت « حبس مجرد » مبدل شود به « حبس با اعمال شاقه »  
موقر - بنده توضیحات لازمه را عرض کردم ولی چون آقای وزیر محترم عدلیه در جلسه قبل اظهار داشتند مختلسینی که محبوس میشوند نامادامیکه در حبس هستند آنها را بکار و اخوانند داشت بنده بهمان اندازه قانع شدم و این پیشنهاد را پس میگیرم

رئیس - پیشنهاد آقای تقی زاده ( اینطور خوانده شد )

پیشنهاد میکنم که حد مرور زمان برای اختلاس کمتر از ده هزار تومان پنج سال و برای ده هزار تومان و بالاتر بیست سال تعیین شود، حسن تقی زاده

تقی زاده - توضیحاتی که برای این کار لازم است در جلسه گذشته نا اندازه عرض کرده بودم و از بیانات که آقای وزیر عدلیه فرمودند معلوم شد در يك جزئی که خیانت بدولت را جزء این کار کرده بودم بنده اشتباه کرده بودم باین معنی که در جلسه اول

هفت ماده را میخواستند نسخ کنند و این مواد را بجایش بگذارند و در جلسه گذشته فقط سه ماده بود و بنده که خواندم معلوم شد که خیانت دولت جزوش نیست ولی در مسئله اختلاس بهمان عقیده باقی هستم که پنج سال خیلی کم است و اگر کسی بطور مثل عرض میکنم درین مثلها باید خیلی دقت کرد که يك قدری منطقی باشد یعنی نشود حمل بر مغالطه کرد و ما که

میگوئیم پنج سال کافی نیست و باید قبل از پنج سال هم اگر کسی خیانت کرده باشد مجازات کرد نباید باین مثل زد که اگر کسی در زمان فتحعلی شاه یا در زمان شاه عباس هم کاری کرده باشد مجازات کرد، این جور مقصود نیست، خوب بنده هم در مقابل این میتوانم بگویم که اگر کسی پنج سال و دو ماه قبل از این پول دولت را خورده باشد معاف است پس لهذا برای

اینکه حد وسطی قائل شویم و دیدم که توجه آقایان هم باین است که سختگیری کمتر باشد این بود که عرض کردم برای مبالغ جزئی تر تا ده هزار تومان ( بعضی آقایان میفرمایند ده هزار تومان هم زیاد است ) بنده این پیشنهاد را کردم انشا الله اکثریت مجلس رأی میدهد اگر ده هزار تومان و کمتر باشد همان پنج سال را قبول دارم و اگر بیشتر باشد ( مبالغ کلی کسانی که اختلاس کرده اند ) از بیست سال

باین طرف ( که در واقع نظرم باز بهمان از اول مشروطه باین طرف بوده است ) باید تعقیب و مجازات شوند

بعضی از نمایندگان - صحیح است  
مدرس - بلی حقوقیش تا صد سال دیگر هم باقیست این جزائیش است  
بعضی از نمایندگان - صحیح است  
وزیر عدلیه - این را میخواستیم عرض کنم که برای بعضیها سوء تفسیر نشود و زمان برای استرداد مال باقی است  
مدرس - تا صد سال هم باقیست  
بعضی از نمایندگان - صحیح است  
رئیس - آقای رفیع

بعضی از نمایندگان - صحیح است  
وزیر عدلیه - بنده اصل قضیه را واگذار میکنم بنظر مجلس ولی يك توضیحی را در این جا لازم دانستم بدهم و آن اینست که در هر صورت مال دولت يك مالی است که نمیشود بصرف اینکه یدش از پنج سال ازش گذشته است صرف نظر کرد در اصل قضیه قسمت حقوقیش باقیست و این مرور زمان فقط از نقطه نظر مجازات است . . . . .

بعضی از نمایندگان - صحیح است  
مدرس - بلی حقوقیش تا صد سال دیگر هم باقیست این جزائیش است

بعضی از نمایندگان - صحیح است  
وزیر عدلیه - این را میخواستیم عرض کنم که برای بعضیها سوء تفسیر نشود و زمان برای استرداد مال باقی است

مدرس - تا صد سال هم باقیست  
بعضی از نمایندگان - صحیح است  
رئیس - آقای رفیع

حاج آقا رضارقیع - عرض کنم بنده توجه آقایان را جلب میکنم مذاکرات جلسه گذشته همین آقای تقی زاده که در مقابل پیشنهاد آقای عراقی فرمودند که گاهی آقایان بقدری عصبانی میشوند که يك کسی افتاده بجس . . . . .

تقی زاده - این برای آینده است  
رفیع - میخواهند پوستش را هم بکنند، قوانین شرع بالاخره برای مادستور کلی است ما میبینیم باینکه سارق را شارع مقدس حکم کرده است که باید دستش را برید اگر ده تومان باشد باید دستش را برید ده هزار تومان هم باشد باید دستش را برید برای چه؟ فلسفه اش شاید این باشد که بالاخره وقتی بگذشت را بریدند دیگر دزد پیدا نمیشود و می بینند که دزدی کرده است دستش بریده شده، حالا ما این جا بیائیم نمره

بگذاریم که اگر این آدم ده هزار تومان دزدیده اجرای مجازات او تا ده روز باشد اگر بیست هزار تومان است آن طور باشد بالاخره این برعکس آن فلسفه است که ما داریم زندگان، میکنیم، زندگان عامه مردم زندگان شرعی است مملکت مملکت اسلامی است بالاخره عام آنها را می ما دستور است. آقا را توجه میدهم به مذاکره جلسه قبل خودشان. اینهمه هم نشتت نداشته باشند شما همین را که قرار دادید که آن کسی را که بانصد تومان دزدیده مجازات نکنند دیگر دزد بیست هزار تومان پیدا نمیشود دیگر صد هزار تومان پیدا نمیشود. تمام این دزدها و گردن کلفتها که در این مملکت بودند برای این بود که قانون مجازات نبود و اگر بود مجازات شرعی بود که مجری نمیشد. اگر قوانین شرع مجری شده بود شما این قوانین را ابداً لازم نداشتید باین جهت بنده با این پیشنهاد مخالف هستم.

تقی زاده - این مال گذشته است نه آیند  
مدرس - حقوق قابل مرور زمان نیست.

رئیس - آقابانیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام فرمایند.

(عده کمی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای عدل

(بشرح ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میکنم پس از عبارت « تا پس از ده سال حبس اصل مال و غرامت پرداخته نشد ) نوشته شود ( و افلاس یا عدم تدلیس مجرم را محکمه صالحه تصدیق کرد )  
رئیس - آقای عدل

عدل - عرض میشود عبارت قانون این است : هر گاه اصل مال و غرامت مذکوره در مواد سه گانه فوق ادا نکنند مطابق ماده دوم قانون جزوای هزار و سیصد و دو حبس خواهند شد تا اصل و غرامت را بپردازند و هر گاه تا پس از ده سال حبس اصل مال و غرامت

پرداخته نشد و ممکن است پادشاه به پیشنهاد وزیر عدلیه و تصویب رئیس الوزراء امر باستخلاص مجرم بدهد. بنده اینجا عرض کردم این اشخاص که يك اختلاسهای کوچکی دارند ممکن است که پس از ده سال چیزی هم نداشته باشند و مرخص شوند. اما ممکن هم هست يك اشخاصی که اختلاس های بزرگی را کرده اند شاید حاضر باشند ده سال حبس را بدهند و پس از ده سال بیایند بیرون و صاحب يك مکتب و تمولی باشند. این است که بنده پیشنهاد کردم که پس از ده سال در صورتی که معلوم شد این آدم مفلس است آنوقت وزیر عدلیه بتواند پیشنهاد بکند و پادشاه او را عفو کند ولی در صورتیکه معلوم شود که این شخص دارد و نمی دهد باید غرامت را بدهد. این است که بنده پیشنهاد کردم که هر گاه تا پس از ده سال حبس اصل مال و غرامت پرداخته نشد و افلاس یا عدم تدلیس مجرم را محکمه صالحه تصدیق کرد ممکنست پادشاه به پیشنهاد وزیر عدلیه و تصویب رئیس الوزراء امر باستخلاص مجرم بدهد. اما ممکن است که مال را خودش اختلاس کرده باشد و انتقال بيك کسی دیگر داده باشد که برایش نگاه دارد که اینهم تدلیس است اگر اینصورتها نبود و واقعاً مفلس بود آن شخص را ممکن است عفو بکنند.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - يك موضوعی را خدمت آقای عدل عرض کنم اولاً این اختلاس ها فعلاً يك صورت پیدا کرده است اساسش بواسطه خاطر این بوده است که همیشه از وقتی هم که داخل در تشکیلات بوده ایم فریاد میزدیم که چرا قانون مجازات نیست بعد هم که قانون مجازات آمد تأخیر کردیم. يك اختلاسات که ملاحظه میفرمائید واقع شده است برای این بوده است که يك قانون مجازات بموقع اجرا گذاشته نشده است حالا که يك وزیر عدلیه جدی آمده است و گفته است

و مقامات عالیه هم تعقیب کرده اند و میگویند قانون مجازات باید بموقع عمل گذارده شود شما دعا کنید که این مسائل راست باشد و قانون بموقع عمل بیاید اگر قانون مجازات بموقع عمل بیاید مسلم این ترتیبی که شما میفرمائید صورت خارجی پیدا میکنند که يك نفری بانصد هزار تومان یا صد هزار تومان مال دولت را ببرد و بعد هم ده سال حبس بشود و بعد وزیر عدلیه وقت بیاید پیشنهاد بکند و رئیس الوزراء تصویب کند و پادشاه وقت عفو کند این يك مواقعی است که محل وقوع ندارد تمام این اختلاسات ها برای خاطر عدم اجرای قانون مجازات است. پس از اجرای قانون مجازات خدای واحد شاهد است هیچ ملتی مثل ملت ایران تمکین کننده تر از قانون نیست، بلی وقتی که قانون نباشد بيك کار هائسی میکنند. به مجرد اینکه قانون آمد ملت مطیع و برد بار و صبور و کاملاً مطیع قانون خواهند بود، پس این فرضی را که شما کردید گمان میکنم این فرض وجود خارجی نداشته باشد. این يك مسئله. در این پیش هم خواستم توجه بدهم آقای وزیر عدلیه را؛ این عبارتی که در ماده يك نوشته شده است که مال غیر. مراد از این مال غیر نه تنها دولت است بنده که یکی از پیشنهاد کنندگان ماده بودم از این مال غیر مراد این است که اعم باشد یعنی اینکه چه مال دولت را ببرد و چه مال شخص دیگری را هر دو را شامل میشود. مبدا یکوقت محکمه در تحت يك فلسفه بیاید بگوید انصراف دارد، مقصود ما اعم است چه مال دولت را ببرد و چه مال غیر فرق نمیکند، این بوده است غرض ما حالا شما هم ملتفت باشید.

وزیر عدلیه - در قسمت پیشنهادی که مطرح است بنده تصور میکنم که اصلاً مسترد ندارند بهتر است و در هر حال واگذار میکنم نظر مجلس. و اما در قسمت اخیری که آقای آقا سید یعقوب فرمودند بنده گمان نمیکنم که هیچ محتاج این توضیح بوده باشد. این

طبیعی است وقتی که گفته میشود مال غیر یعنی غیر از مال خودش. آن کسی که امین صندوق بوده است اگر مال غیر را برداشت معلوم است که آن مال تعلق به غیر خودش دارد اعم از اینکه مال دولت باشد یا غیر. و این هیچ محل شبهه و تردیدی نیست  
آقا سید یعقوب - بسیار خوب.

رئیس - رأی میگیریم به پیشنهاد آقای عدل آقابانیکه قابل توجه میدانند قیام فرمایند  
(عده کمی برخاستند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای خطیبی  
(بشرح ذیل خوانده شد)

بنده تبصره ذیل را پیشنهاد میکنم.  
تبصره - چنانچه مجلس مالی را که اختلاس کرده است بدیگری واگذار کند دولت مکلف است عین مال را مسترد بدارد

رئیس - آقای خطیبی

خطیبی - مقصود بنده از این پیشنهاد این است که ممکن است يك مختلسی برود صد هزار تومان دو بیست هزار تومان اختلاس کند بعد آنرا بعنوان توریه به دیگری انتقال دهد اگر چنین اتفاقی افتاد دولت مجاز باشد که آن چیز انتقال شده را از آن کسیکه با انتقال داده شده است پس بگیرد.

رفیع - صحیح است شرعاً هم همینطور است

وزیر عدلیه - بکدفعه دیگر خوانده شود

(پیشنهاد آقای خطیبی ثانیاً خوانده شد)

وزیر عدلیه - بنده نمیدانم که این ماده مقصودی را که آقا دارند همین میکنند یا نه؟ پول نقد را اگر بر داشته است بکسی بدهد لازم نبوده سندی مبادله کند که معلوم شود انتقال داده است و بشود از او گرفت. اگر مقصود این است که ملکی خریده باشد و بعد باسم دیگری در آورده باشد یا ملکی باسم دیگری خریده باشد

در اینصورت باید پیشنهاد بکنند که غیر از این باشد که هم شامل بشود و هم عین مال نباشد «عین» عبارت از آن پولی است که داده است بنده تصور میکنم اگر پیشنهاد را يك صورتی بدهند که این مقصود را رساند موافقت بشود. یعنی اشکالی درش نباشد چون عین مال اشکال دارد.

عمادی - بنده هم همین پیشنهاد را کرده ام بهتر هم هست.

رئیس - پیشنهاد آقای عمادی هم قرائت میشود

(شرح آنی خوانده شد)

پیشنهاد میبایم که تبصره ذیل ضمیمه شود.  
تبصره - چنانچه مجلس ازین مال هر نوع ملك یا سایر معاملات نمود و انتقال بغير نموده و دعوی فلس نماید عین آن ملك و غیره را نولت در عوض مال خود و يك مقابل آن بگیرند

رئیس - آقای عمادی

عمادی - قصد بنده از این پیشنهاد این است که وقتی این مجلسین ملتفت این حکم جزائی شدند (این ترتیب هم گاهی معمول به مردم است) این پول را ملکی میخرند و به اقوام خودشان یا اشخاص دیگر منتقل میکنند برای فرار از جزا و همان ده سال حبس را قبول کند بخيال اینکه آن ملك برای من باقی است بان جهت بنده پیشنهاد کرده که اگر چنانچه بعد از اختلاس از این پول ملکی خریده باشد و بغير انتقال داده باشد آنرا عوض مال خودش بگیرند.

رئیس - رأی گرفته میشود قبلاً به پیشنهاد آقای

خطیبی ....

وزیر عدلیه - اگر اجازه میفرمائید هر دو پیشنهاد را بیاورند تا پیشنهاد های دیگر خوانده شود بنده يك صورت درست کنم که شاید هر دو آقایان موافقت کنند

رئیس - پیشنهاد آقای عباس میرزا

(شرح ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میکنم بطور تبصره اضافه شود - در صورتی که محبوس در مدت حبس وجوه مأخوذه را مسترد ندارد مدت حبس اول به پنجسال تخفیف حاصل میشود

رئیس - آقای عباس میرزا

عباس میرزا - چون در اینجا معلوم نکرده است که اگر يك کسی وجه را بدهد با او چه معامله می کنند ممکن است اگر وجوه را از او مأخوذ کنند او را هیچ حبس نکنند بان دلیل بنده پیشنهاد کردم که در صورتی که وجوه را مسترد ندارند باز يك مدت حبس بواسطه آن عملی که کرده است بشود. اینجا فقط گفته است از مجلس وجه مسترد خواهد شد و در صورتی که وجه از او مسترد شد مجازات دیگر برای او معین نکرده اند

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - آقا توجه فرمودند که اگر این قانون بتصورت بگذرد دو قسمت دارد یکی راجع باشخصی که سابق اختلاس کرده اند یکی هم راجع به آنهاست که از این به بعد اختلاس میکنند که مشمول ماده دومند که در ماده دوم وقتی وارد شدیم نظیرمان معلوم میشود. ولی این ماده راجع باشخصی است که تا بحال اختلاس کرده اند یعنی باحالا در تحت تعقیب هستند یا هنوز نیامده اند این دیگر حبس ندارد وقتی که پول را داد باید او را رها کنند. برای اینکه اصل ماده این است که او را بگیرند حبس کنند تا پول را بدهد وقتی که پول را داد و لاش کنند برود بی کارش ....

آشتیانی - چطور پول کنند؟!

آقا سید یعقوب - خوب قانون این است که مجلسین قبل را باید حبسشان کنند تا مال را ازشان بگیرند و لاشان بکنند دیگر مجازاتی نکنند.

رئیس - رأی میگیریم بمقابل توجه بودن پیشنهاد

آقای عباس میرزا آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام فرمایند (عده کمی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای بامداد

(شرح ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میکنم پنجسال به پانزده سال تبدیل شود.

رئیس - آقای بامداد

بامداد - سه جلسه است این قانون در مجلس مطرح است. نه هزار تومان اقلأ برای ما تمام میشود... رفیع - دوازده هزار تومان.

بامداد - دوازده هزار تومان؟ بهتر. آنوقت نتیجه این باشد که برای چند نفری قانون بگذاریم این حقیقه دون مقام مجلس است و در ضمن هم این چند نفر مشمول این قانون شوند با يك مجازات شدیدتری آنوقت يك عده مجلسین عمده ای که هیچکدام از آقایان نیستند مگر اینکه دو سه نفرشان را میشناسند از میان بروند در صورتیکه مال عمومی و در دست هر کس باشد و هر وقت باشد میشود گرفت دزد را هر وقت بگیرند دزد است و باید او را گرفت. مجلس را هر وقت بگیرند مجلس است و باید گرفت. مال این مردم بدبخت بینوا را بردن و آنوقت ملك خریدن، برك خریدن، یا بمصارف نامشروع رساندن، یا در فرنك عیاشی کردن به کدام قانون رواست؟! این عطف بما سبق هم نمی شود. حالا شما میخواهید تخفیف مجازات بدهید در تخفیف مجازات عطف بما سبق هم عیبی ندارد بنده عرض میکنم که اگر واقعاً يك نفری در مالیه در چند جا اختلاس کرده است و اسناد و دوسیه های آن هم هست و اقرار هم میکنند مثلاً رفته است کرمان فلانقدر چایبده است و دارد و الان دو تاده شدانك خریده است و تفریح میکند. اگر شما بدائید بگوئید که بده بد کرده آید؟ اگر پنجسال و دو ماه برد، پنجسال و دوازده بود (بيك قانونی از نقطه نظر مادیات و خیلی دقیق نگاه کنید) خوب پنجسال و پنجساعت بود این شخص دیگر مرفه است؟ اگر این قانون را

نگذاریم بهتر از این است که پنجسال بگذاریم و يك عده ای را راحت کنیم. بنده میدانم آنها را تعقیب نخواهند کرد ولی بگذارید اقلاً بکفوری دغدغه خیلی بکنند يك قدری وجدانشان ناراحت باشد که بگویند يك روزی خواهد آمد که ما را به محکمه بکشند. همه مردم از بی مجازاتی بستوه آمده بودند همه متفکر بودند از اینکه هیچ جائی کسی مجازات نمیشود ولی در ضمن بکدام خوشی داشتند میگفتند يك روزی اینها به محکمه کشیده میشوند این قانون میآید این روز را هم از ما میگیرد اینها را مرفه میکند. پس بنا بر این حالا که از بدو زمان مشروطیت را قائل نشدید پانزده سال قرار بدهید نه اقلاً این مجلسین عمده ناراحت بشوند. بنده میبایم مجازات نمیشوند اقلاً ناراحت شوند حالا بسته است بنظر آقایان نمایندگان محترم

وزیر عدلیه - اگر قسمت آخر بیانات نماینده محترم نبود بنده هم صحبت نمی کردم و آن قسمت عبارت از این بود که گفتند من مطمئن هستم که مجازاتی نخواهند شد...

بامداد - پیشی ها را عرض میکنم.  
وزیر عدلیه - عرض کنم آقا میدانم شما این فصد را نداشتید ولی این رویه حد اقلش این است که دلسرد میکند آن کسی را که میخواهد يك کاری بکند وقتی يك کسی خواست يك کاری بکند متحیر میباشد چه بکند يك قوتی مجازاتی بوده است ملازم ترین و بهترین و راحت ترین قانونها از برای اشخاصی که بخواهند اختلاس کنند يك ماده هم درش گذاشته بودند بطوری که اصلاً اشخاصی را که می گفتیم تعقیب کنیم نمیشد تعقیب کرد. آمدیم تفسیر کردیم باشکال دیگر برخوردیم. این صورت را آوردیم اول مدت را ده سال قرار دادیم آقایان خواستند ملازم تر بشود و يك پیشنهادی کردند که زود تر پیش برود پنجسال کردند حالا متصل در اطراف این قانون پیشنهادها هم میشود که «از اول

مشروطیت « ده سال پیش » « بازده سال پیش » آقایان هم البته دلیل هائی دارند از وضعیت و مثل این است که هر کدام آقایان هم (دلتنکی که از این مسئله دارند که در این مملکت چرا مجازات نیست گناهش را گردن بنده میکنند و هر کس در ضمن يك چیزی میگوید. خوب آقا اگر نمیخواستیم يك کاری بکنیم که این قانون بود. و بهترین وسیله این است که قانون جلوگیری بکنند ولی البته ابتدای کار ما است نازه ماثروع بکار کرده ایم و سایه مان ناقص است باید اینها را فراهم آورد قانونش را گذراند ترنیش را داد تا وقتی که آن اشخاصی که يك کار هائی کرده اند و قابل تعقیب هستند مجازات و تعقیب بشوند. در هر حال عرض کردم اگر آن کلمه آخر نبود عرض نمی کردم....

بامداد - آزا پس میگیرم شما قبول کنید.

وزیر عدلیه - بنده عرض کردم مدت را که بنده آوردم ده سال بود آقایان خواستند تخفیف بدهند پنجسال کردند. يك قسمت دیگر آقای بامداد اظهار کردند راجع باینکه مسئله عطف بما سبق را می بینم بد تعبیر میکنند این نکته را بنده هم میخواهم بکفدری درش حاشیه بروم بنده هم همان عقیده را دارم اگر واقعاً بمعنای صحیح کلمه عطف بما سبق میشد بنده هم این قانون را نمی آوردم اشتباه نباید کرد که يك مسائلی است در يك مملکتی که باید بحسب عادات جاریه و قواعدی که آن مملکت را اداره میکنند آنها تعقیب شوند و يك مسائلی است که آن قوانین و عادات آنها را کنار میگذارد و آنها را قابل مجازات و تعقیب نمیداند. وقتی که میگویند قانون نباید بیاید و عطف بما سبق بشود ( که آنها يك اصلی است که برای آنها يك مستثنیان عقل اجازه میدهد که انسان باید قائل شود) وقتی که این حرف را میزنند مقصود این است که اگر يك عملی جزء اعمالی بوده است که مجاز بوده است مباح بوده است و میشود این کار را کرد آزا نباید يك روزی بگویند که از بازده سال

قبل میخواهیم آن عمل را مجازات کنیم. حالا ما آمده ایم میخواهیم قائل به مجازات بشویم از بازده سال قبل از این. ولی يك عملی که عادات مملکت، وجدان ملی مملکت، احساسات مردم قواعدی که بر آن مملکت حکومت دارد آنها را قابل مجازات میدانند ولو اینکه در عمل مجازات نشده اند نمیشود کسی آنها را بگوید که قابل مجازات نیست. بنده تصور نمیکنم کسی باشد اینجا بگوید که دزدیدن اموال عمومی در این مملکت جزء مسائلی بوده است که مباح بوده است و مشروع بوده است. که حالا اگر بیائیم راجع بآن يك قواعدی وضع کنیم در اینصورت آن را عطف بما سبق کرده ایم ولی يك عملی را که مرتکب در موقع عمل خیال میکرده است آن عمل مباح است اگر این را ما آمدیم گفتیم که از چند سال قبل مجازات بشود برای اینکه جزء اعمالی بوده که مردود بوده و قابل مجازات بوده است این عطف بما سبق است. ولی حالا ما آمده ایم و آن مجازاتی که بوده است (ولو اینکه در خیلی از مواقع هم عمل نمیشده است و بنده هم تصدیق دارم) اما در هر صورت اساساً بوده است و روی اصل قاعده مربوط بدزدی بوده و يك مجازات خیلی شدیدی هم بوده است حالا ما این قواعد را که ملاحظه میکنید و يك مجازات خیلی شدیدی هم نیست و خیلی هم ملایم است و اخف است بجای آن آورده ایم. و وقتی که مجازات خفیف شد اقل عطف بما سبق باید بشود. در هر حال بنده خیال میکنم که آقایان لطف بفرمایند و هر يك از این شقوقی که میخواهند بازده سال پیش ده سال پیش هر قدر که میفرمایند بنده هم مخالفتی ندارم. بالاخره رأی بدهند که ما بتوانیم شروع بکنیم و الا الان دو سه جلسه است که در مجلس مذاکره میشود و همینطور وقت میگذرد و بالاخره هم بنده نمیدانم از تویش چه چیز بیرون خواهد آمد.

رئیس - آقای باسائی

باسائی - بنده قطع نظر از فرمایشاتی که آقای وزیر عدلیه فرموده میخواهم تذکر بدهم از نقطه نظر اصولی که آقای تقی زاده فرمودند که ایشان در این باب خیلی اصرار دارند که ما مجازات مجرمین قبلی را بطور شدید معین کنیم مدتش را هم خیلی ببریم جلو. يك ماده از قانونی که در دوره پنجم در کمیسیون عدلیه گذشته است میخوانم و بعد وارد میشوم در اصل مطالب. ماده شش میگوید - مجازات باید بموجب قانونی باشد که قبل از ارتکاب آن عمل مقرر شده باشد و هیچ عملی را نمیتوان بعنوان جرم بموجب قانون متأخره مجازات نمود لیکن اگر بعد از ارتکاب جرم قانون مقرر شده که مبنی بر تخفیف یا عدم مجازات باشد نسبت مجرمهای سابق بر وضع آن قانون نیز مؤثر خواهد بود. این يك ماده بود که بنده اینجا تذکراً خواندم....

مدرس - این را هم توضیح بدهید که نسبت بمال نیست. مرور زمان در مال تأثیر ندارد

باسائی - اصلاً يك عناوینی را که هم شرعاً و هم قانوناً استعمالش يك موارد خاص دارد بن جهت بعضی آقایان خلط میکنند. سرقت يك موضوع خاصی است شعب چهارگانه دارد: سرقت به معنای معمولی. سرقت بمعنای راهزنی و قطع طریق. سرقت بمعنای اختلاس سرقت بمعنای استلاب. این چیزی که اینجا مطرح مذاکره است اصلاً اختلاس نیست، خیانت در امانت است. (ما این اصطلاح را از قانون مصرها گرفتیم) برای اینکه مالی را به مأمورین مالیه سپردیم آنها را امین قرار دادیم بعد مثلاً خیانت کردند در امانت. اختلاس بمعنای شرعی یعنی کش رفتن مال غیر بیک طرز خاصی مثلاً در اطاقتان نشسته اید يك کسی وارد میشود شمارا اغفال میکند بطوری که ملتفت نیستید يك صندوقی را کش میبرد و بر میدارد میبرد. بکوقت هم نشسته اید يك چیزی جلو رویتان گذاشته اید و ملتفت هستید بر میدارد میقاورد در میبرد. اگر قایمید و در رفت آن

را شرعاً استلاب میگویند. سارق هست ولی شرعاً حدش حد سارق نیست و به حد قطع ید نمیرسد اما اگر کسی سرقت کرد بطوریکه کسی ملتفت نشد آزا اختلاس میگویند آنها سرقت است ولی بحد قطع ید نیست ولی يك سرقت سرفقی است با شرایط هفت و هشت و ده گانه و بقول یکی از رفقا با شرایط سی گانه که ممکن است قطع ید کرد. یکی هم قطع طریق است که مجازاتش معلوم است. بنا بر این اختلاس سرقت است و اینکه اینجا مطرح مذاکره است اختلاس نیست خیانت در امانت است. ما وقتیکه این قانون را وضع میکردیم بقوانین مصری که اتخاذ از قوانین اروپائی کرده بودند مراجعه کردیم دیدیم این لغت را معمول کرده اند ما هم قبول کردیم يك وقتی هم در قانون جزای غیر رسمی که دولت نوشته بود این اصطلاح را معمول کرده اند ما هم قبول کردیم يك وقتی هم در قانون جزای غیر رسمی که دولت نوشته بود این اصطلاح را معمول کرده اند در محاکم هم جاری شده بود و تلفظ میشد ما هم ایقا کردیم. حالا آمدیم بخیات در امانت: خیانت در امانت مجازات شدید ندارد خیانت در امانت تعزیر دارد و ما باید يك مجازاتی وضع کنیم که معادل با تعزیر باشد. يك مجازات خیلی شدیدی حق نداریم وضع کنیم. قبلاً با آقای مدرس و بعضی آقایان دیگر در خارج مذاکره کردیم. ما آمدیم و گفتیم که اگر کسی خیانت کرد در امانتی که از طرف دولت یا سپرده شده است آن مال را از او بگیرند و جریمه اش بکنند جریمه اش این است که دو برابر آنچه که برده است پس بگیرند. مثلاً اگر ده هزار تومان خیانت کرده برده جریمش بیست هزار تومان است. مجازات دیگر بالاتر از اینکه اگر کسی که ده هزار تومان برده ده هزار تومان را بگیرند و بیست هزار تومان هم از او جریمه بگیرند؟! بقول آقای مدرس سنك بزرگ علامت زدن است ماکار همان افراط و تفریط است شما مجازات کوچک را اجرا کنید کاری بکنید که اجرا بشود آنوقت مجازاتهای سنگین را

کنار بگذارید من خوب در نظر دارم آقای مشیرالدوله در کمیسیون عدلیه در دوره پنجم میگفتند خوب ضرب المثلی است که میگویند نباید قانون را عصبانی کرد رسیدم از شان یعنی چه؟ قانون چطور عصبانی میشود؟ میفرمودند که قانون اگر خیلی شدید باشد و سخت باشد قهراً اجرا نمیشود. شما اصرار نداشته باشید (بفرمایش ایشان) که قانون را عصبانی نکنید.

بامداد - عصبانی نمیکشیم. زمان را عوض میکنیم باسائی - زمان را بموجب آن ماده ای که بنده عرض کردم یعنی ماده شش قانون مجازات عمومی شما باید رعایت این نکته را بکنید که آن موقعی که این قانون را نوشته اند و وضع کرده اند این عمل باینصورتی که حالا شما میخواهید تفسیر کنید جرم شناخته نمیشود مگر آنچه که شرعاً معین کرده اند و شرعاً يك جرم خاصی برای خیانت در امانت نیست مگر اینکه آن مال را از او بگیرند و از نقطه نظر عرفی هم يك جرمه ای بکنند این است که آقایان نباید زیاد اصرار داشته باشند بگذارید این قانون بگذرد که شما به بعد بتوانید مختلسین را مطابق قانون تعقیب کنید و يك اشخاصی هم که جرائم آنها در وزارت عدلیه تحت تعقیب است به مجازات برسند و در آتیه هم این قانون انشاء الله اجرا میشود این طور اختلاس ها کمتر اتفاق میافتد.

رئیس - رای میگیریم به قابل توجه بودن پیشنهاد آقای بامداد آقایان موافقین قیام فرمایند (عده قلیلی برخاستند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای فیروزآبادی (بمضمون آتی خوانده شد)

پیشنهاد میکنم که خائنین و مختلسین از مال دولت از ده سال قبل تحت محاکمه و تعقیب در آیند.

رئیس - آقای فیروزآبادی

فیروزآبادی - بنده امیدوارم که يك زمانی برسد

که سارقین و مختلسین مجازات شوند و امیدوارم که يك وقتی بیاید که دست سارقین و خائنین از سراسر احوال عمومی مردم کوناه شود و دستهایی که از این اشخاص حمایت میکنند از بین بروند و هیچوقت حمایت از جنایت کار نکنند، هیچ وقت حمایت از قاتل نکنند هیچ وقت حمایت از کسانی که شب و روز در صدها بردن مال مردم و خوردن مال مردم هستند نکنند ترحم باین اشخاص اسباب خرابی مملکت است. بنده عقیده ام این است اگر بتوانیم از اول اسلام هر کسی که خیانت و دزدی کرده است تعقیب کنیم ولی میدانم که نمی شود. این است که عرض میکنم و تفاوتی هم نمی کند مال مال است خواه مال دولت باشد خواه مال ملت فرق نمیکند لاقول اشخاصی را که از ده سال قبل خیانت به مال دولت و مال ملت کرده اند تحت تعقیب و محاکمه در آورند که لاقول اگر عمل نمی شود اشخاصی که خیانت کرده اند و اهمه داشته باشند و خیانت نکنند و دو مرتبه بخیا تشان ادامه ندهند و خیانت تازه نکنند، هر چند قانون باید عملی شود ولی این قوانین از مجلس میگذرد و عملی نمی شود، امیدوارم این قانون هائی که از مجلس میگذرد عملی شود و چون میخواهم اشخاصی که خیانت کرده اند تعقیب شوند این است که پیشنهاد کردم از ده سال به این طرف را دولت حق داشته باشد تحت محاکمه و تعقیب بیاورد که بعد ها آنها سر جای خودشان بنشینند

رئیس - آقای رفیع

حاج آقا رضا رفیع - بنده اولاً گمان میکنم این پیشنهاد رد شده باشد اینطور است یا خیر؟

یکنفر از نمایندگان - خیر

رفیع - خوب عرض میکنم خدمت آقا گمان نمیکم هیچیک از آقایان مخالف باشند که خائنین ده سال پیش سال قبل را بیاورند و مجازات کنند ولی چون مقصود آقا از این پیشنهاد این بود که خائنین بکفوری خوف

داشته باشند، او خودش مطابق الخائن خائف خوف را دارد، اگر چنانچه مقصود آقا این است که خوف پیدا کند بنده به آقا اطمینان میدهم که خوف را داشته باشد ولی اگر مقصود آقا ده سال باشد گمان نمیکم هیچکس از آقایان مخالف باشند اما اگر ده سال عملی باشد. يك اشخاص دزدی کرده اند از مالیه مسلمان که عدش را اگر آقایان به بینند تعجب خواهند کرد میخواهیم این اشخاص تعقیب بشوند ولی اینکه در مجلس عنوان می شود که از اهمیت مجلس کاسته میشود که اگر برای چند نفر قانون بنویسد، خیر اینطور نیست، يك قانونی در مجلس برای شهریه یکنفر میگذرد و جزء قوانین میشود ولی اگر میخواهیم برای سیصد نفر که دزدی کرده اند قانونی بگذاریم از اهمیت مجلس می کاهد؟ اما چون ده سال عملی نیست خوب است که خود آقا این پیشنهاد را استرداد فرمایند و بگذارند که حالا که میخواهند این اشخاص تعقیب شوند با يك ترتیب عملی این قانون بگذرد و بپردازند اجرا کنند.

رئیس - رای میگیریم، آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام فرمایند. (معدودی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد، پیشنهاد آقای عمادی و آقای خطیبی اختصاص به ماده اول ندارد. بعد از ماده دوم قرائت میشود. رای میگیریم به ماده اول.

زعیم - بنده پیشنهادی تقدیم کرده ام راجع به حذف يك قسمت.

رئیس - پیشنهاد آقای زعیم.

(بمضمون ذیل قرائت شد)

پیشنهاد میکنم قسمت ابتدائی از ماده اول تا آخر عبارت قرار منع تعقیب صادر شده باشد یا نشده باشد

رئیس - آقای زعیم

زعیم - بیانات الکن بنده گمان نمیکم که کاملاً وفا

کند و آن مقصودی را که دارم تشریح و توضیح کنم این است که از آقایان مخصوصاً آقای وزیر عدلیه تمنا میکنم که بعرض بنده توجه فرمایند و نظر مخالفت هم ندارم و نظر بنده از نقطه نظر قانون گذاری بوده است عرض میکنم ملاحظه فرمایند اگر قابل اصلاح است که تعقیب فرمایند. بنده پیشنهاد حذف کردم برای اینکه بنده وضع این ماده را اولاً با سایر موادی که در قانون مجازات عمومی نوشته شده است تطبیق کنم میکنم يك عمل عبثی می بینم. بنده اصولاً با اینکه مجازات شدیدتری از آنچه که در ماده ۱۵۲ الی ۱۵۷ برای مختلسین معلوم شده است معین شود مخالف نیستم ولی چنانچه در مجلس قبل هم بطور اشاره عرض کردم مخالف این هستم که قانون که اصولاً مخالف اصول مسلمانان است وضع شود چون با این ترتیب هیچ قانونی قانونیت پیدا نمیکند و این مثل سقنی میدانم که ما میخواهیم بنزیم ولی نه از بالا قوه او را حفظ کند و نه از پایین البته هیچوقت این سقف باقی نمیاند. آقای وزیر عدلیه و آقای باسائی در جلسه قبل گفتند که میخواهند بعضی مختلسین را مورد تعقیب قرار دهند و ایشان بیان کردند که حقیقه هم سزارار نیست که يك اشخاصی پول دولت را بخورند و راست راست توی خیابانها راه بروند و این بن ترتیبی و بی مجازات مشوق بد بختی و بد اخلاقی می شود، بنده هم عرض میکنم باید پول دولت را از اینها گرفت و باید هر سیاسی در حدود قانون باشد در باره آنها اعمال بشود یکی از قانون گذار های بزرگ دنیا میگوید اگر يك بن عدالتی بشود بهتر از این است که قانون نسخ شود و قانون از بین برود و حالا بنده عرض میکنم که يك مورد بخصوص را آدم در نظر بگیرد میتواند قانون بگذراند یا نه ولی عرض میکنم این قانونی که حالا میخواهیم بگذاریم بنظر بنده مخالف اصول مسلمانان است و يك کار عبث است که آقای وزیر عدلیه را به انجام آن مقصودی که مبتلا به ایشان

است موفق نمیکند بلکه بکلی از مقصود هم دور میکند چرا؟ بنده عرض میکنم مخالف اصول مسأله است برای اینکه آنچه تا بحال در دنیا اتفاق افتاده است این بوده است که يك موارد جرمی و يك مواردی را در نظر میگرفتند و قانون وضع میکردند برای اینکه بعد ها دیگران مرتکب چنین عملی نشوند اما هیچوقت نشده است که يك قانونی را وضع کنند برای يك اشخاصی که امروز يك جرمی را کرده اند بهترین دلیل همان ماده شش قانون مجازات عمومی است که آقای نماینده محترم قرائت فرمودند بنده هم برای اینکه تکرار شده باشد عرض میکنم که میگوید: مجازات باید بموجب قانونی باشد و هیچ عملی را نمیتوان بعنوان جرم بموجب قانون متأخر مجازات نمود. این يك اصلی است و بالاضافه يك اصل دیگر هم است و آن این است که اگر يك محاکمی را ماصالحه خواندیم و مربوط بیک عملی دانستیم و آنها قرار منع تعقیب دادند معقول نیست که محکمه دیگر تحت همان عنوان قضیه را تعقیب کند. خود آقای وزیر عدلیه الحمد لله مطلع هستند و این عرضی را هم که بنده میکنم خودشان دقت کنند و بیش از این هم در قسمت منع تعقیب عرض نمیکم. اما در قسمت مرور زمان هم که نوشته است پنجسال، خوب در قانون مجازات عمومی گویا خلاف را یکسال معین کرده است و جنحه را سه سال و جنایت را ده سال و حالا باید تشخیص بدیم که این از کدام موارد است خلاف است؟ جنحه است؟ چه است؟...

زوار - ماده ۶۳ است.

زعیم - این مدت پنجسال از کجا بیرون آمده است؟ اینهم خودش يك چیزی است و از جمله دلایلی است که بنده عرض میکنم به آقای وزیر عدلیه که حضرت عالی نمیتوانید با این ترتیب نظریه خودتان را تعقیب کنید. بله بنده مخالف نیستم با اینکه اگر يك راهی پیدا شود درباره این اشخاص مجازات شدیدتری هم اعمال

بشود ولی این راهی که بیموده اید راه نیست. و اما اگر بخواهیم چنانچه گفته شد که این اشخاص بوطا را بخورند و راست راست راه بروند تعقیب کنیم خود آقای وزیر عدلیه می دانند که طرق مختلف است. ممکن است که آقای وزیر مالیه در قسمت حقوقی اقامه دعوی بکنند و در عدلیه بگویند که يك پولی به این اشخاص داده شده است و اسنادش را هم داریم. این پول را چه کرده اند و این پول را از آنها بگیرند یا این ترتیب که بنده عرض کردم و بنا اینکه میگوئید میخواهیم متهمین را مجازات کنیم معینا گمان میکنم این قانون فایده نداشته باشد. این بود که بنده پیشنهاد حذف کردم و این قسمت را عبث میدانم و میخواهم حذف شود.

وزیر عدلیه - عرض کنم بنده لازم میدانم ماده ۶ را که آقای باسائی خواندند و آقای زعیم هم به آن اشاره کردند به ایشان تذکر بدهم که این ماده تکلیف قاضی را معین نمیکند نه تکلیف مجلس را و بالاخره در خصوص مدت هم يك توافق نظری با عده از نمایندگان شد و این مدت را معلوم کردند و بنده گمان میکنم که مدت هم خیلی خوب تعیین شده که نه به آن مدتی که بعضی از آقایان پیشنهاد کردند که از اول مشروطیت باشد و نه اینکه سه سال باشد و بنده تمنا میکنم که آقایان بگذارند با همین ترتیب بگذرد و گمان میکنم که هیچ مانعی هم نداشته باشد و اینکه گفته میشود که قرار مستنطق در حکم قرار يك قاضی است و حکمی است که نمیشود رسیدگی کرد و این همه صحبت در اطراف قضیه گمان میکنم نی فایده باشد.

رئیس - رأی گرفته میشود به قابل توجه بودن پیشنهاد آقای زعیم آقایانیکه موافقت قیام فرمایند (معدودی برخاستند)

رئیس - قابل توجه نشد رأی میگیریم به ماده اول آقایان موافقت قیام فرمایند

(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده دوم.

(بعضون ذیل قرائت شد)

ماده ۲ - اشخاصی که پس از تصویب این قانون مرتکب جرمهای مندرجه در مواد سه گانه ۱۵۲ و ۱۵۳ و ۱۵۷ شوند علاوه بر مجازاتهای مذکوره در مواد فوق الذکر محکوم به مجازات ذیل خواهند شد: هرگاه میزان اختلاس و انتفاع کمتر از پانصد تومان باشد حبس تأدیبی از شش ماه تا دو سال هرگاه میزان بیش از پانصد تومان باشد حبس مجرد از دو تا سه سال خواهد بود.

رئیس - آقای باسائی

باسائی - موافقم

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده هم موافقم

بعضی از نمایندگان - مخالفی ندارد.

رئیس - رأی میگیریم به ماده دوم آقایانیکه موافقت

قیام فرمایند

(اغلب نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. چند فقره تبصره است که

باید قرائت شود. پیشنهاد آقای عمادی و آقای خطیبی

(اینطور خوانده شد)

تبصره ذیل را ضمیمه مینماید:

هرمختلسی مال اختلاس شده را به دیگری نقل داده یا ملکی خریده به دیگری نقل داده اثری ندارد. دولت حق دارد بگیرد و اگر اختلاس کننده در انتقال بغير گرفته رجوع به مجلس نماید.

رئیس - آقای عمادی

عمادی - در این عبارت توضیح داده شد بدو عرض میکنم چون آقای مدرس فرمودند به این نحو نوشته شود

نوشته شد و مطلب یکی است و تغییر عبارت فرق نمیکند اساس نظر بنده این است که وقتی که مجلس ملتفت این قانون شد در پیش يك نفر مبرود و تاریخ را جلو می اندازد و مال را به دیگری انتقال میدهد و مال را میبرند و میخورند این است که بنده این پیشنهاد را کردم که این را بسته شود و مال دولت از بین نرود و این تبصره ضمیمه شود که اگر مجلس آمده است مال را نقل به غیر کرده اگر بلاعوض است که مستقیماً دولت بگیرد و اگر با عوض است آن مشتری به مجلس رجوع کند و دولت حق دارد آن عین ملك را که از عین پول خریده است پس بگیرد.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده عقیده ام این است که این تبصره خوب نیست چرا؟ چون ماده در دوره چهارم گذشته است و تعیین مجازات کسی که انتقال مال غیر را به دیگری کرده معین نموده و این ترتیب مجازاتش معلوم شده است و بنده نمیدانم چرا آقای وزیر عدلیه اینرا قبول کردند در آنجا تکلیف این موضوع معین شده است و در واقع رجوع می کنند به اقامه شخص ثالث و دعوی شخص ثالث و دولت در این موضوع رجوع به آن ماده میکنند و این تبصره لازم نیست

وزیر عدلیه - بنده در عبارت این تبصره يك دست کاری مختصری کردم از نقطه نظر عبارتی. در اصل مقصود بنده تصور میکنم که يك قسمت از این مقصود بدون این ماده سابقاً پیش بینی شده و بدون اینکه این ماده هم باشد ممکن است تعقیب کرد. ولی ممکن است يك معاملاتی بشود که مشمول آن ماده نباشد مثلاً يك کسی رفته است پنج هزار تومان از صندوق وزارت خانه برداشته و يك ملکی را در همین طهران به اسم دیگری معامله کرده است و هم چنین بعضی موارد دیگر هم هست که مشمول آن ماده نمی شود. و رویهمرفته اگر این ماده و تبصره به این شکلی که بنده درست کرده تصویب شود گمان



می کنم ضرری نداشته باشد که توضیح داده شود و ممکن است با اصلاحی که بنده کرده ام این تبصره قرائت شود  
رئیس -- قرائت می شود

(بمضمون ذیل خوانده شد)

هر مختلسی مال اختلاس شده را به دیگری نقل داده یا ملکی خریده به دیگری نقل داده آن انتقال اثری نداشته و دولت حق دارد مال یا ملک را از شخص ناک بگیرد

رئیس -- آقای روحی

روحی -- موافقم .

رئیس -- آقای باسائی

باسائی -- عرض کنم که در این حرارت ممکن است بعضی چیزها پیشنهاد شود که بدون مطالعه است و در عمل اسباب زحمت می شود . بالاخره يك شخص ثانی آمده است و از مأمور مختلس دولت يك ملك و مالی را خریده است بدون اینکه اطلاع داشته باشد و پولش را هم مأمور دولت گرفته است و رفته است و قمار کرده است ، آن شخص ناک تکلیفش چیست ؟ او که اطلاع نداشته است . پس پیشنهاد کنید که آن شخص ناک در صورتیکه عالماً و عامداً خریده باشد ازش بگیرند یعنی اگر اطلاع داشته است و خریده از او گرفته می شود و اگر اطلاع نداشته است يك مجازات دیگری شخص دیگری باید بشود (نمایندهگان صحیح است)

رئیس -- آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام فرمایند .

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس -- قابل توجه نشد . پیشنهاد آقای موقر .

(بمضمون ذیل قرائت شد)

بنده تبصره ذیل را پیشنهاد میکنم :

تبصره -- قاچاقچیان و مستخدمین دولتی که شریک یا همدست با آنها باشند در ردیف مختلسین دولتی محسوب می شوند .

رئیس -- آقای موقر

موقر -- چند روز قبل در ضمن نطق قبل از دستور عریضی نسبت به قاچاق قند و شکر و چای عرض کردم البته خاطر نمایندگان محترم متوجه است که قند و چای و شکر در جنوب به چه اندازه قاچاق می شود و چه اندازه خسارت به دولت وارد آورده است ولی قاچاقچیان و اعوان و انصار آنها که مستخدمین دولت هستند به سه رشته حقوق دولتی ضرر وارد آورده و می آورند . یکی حقوق گمرکی که مرادف است با همین عایدات داخلی بعلاوه در درجه دوم بعوائد الحصار قند و شکر چای که باید صرف تأسیس راه آهن بشود در درجه سوم به عوارض راه که میبایستی صرف بلدیها و ایجاد راه های شوسه ملکیتی بشود بنا بر این آقایان نمایندگان محترم تصدیق خواهند فرمود که قاچاق نسبت باختلاس ضرر و زیانش خیلی بیشتر و بالاتر است و اگر جداً و بقوه حبس از آنها جلوگیری نشود به این زودنها نه راه آهن و نه راه شوسه و نه بلدیها های صحیح و مرتب خواهیم داشت بنده معتقدم که قاچاقچی و مختلس در يك ردیفند و فقط فرقی که بین آنها موجود است این است که مختلس وجوهائی که بنام دولت وصول شده قبل از اصال به خزانه میرساند و قاچاقچی وجوهی که حتماً متعلق به دولت است و میباید مأخوذ شود قبل از وصول خزانه دولت را از آن محروم میسازد در حقیقت هر دو عمل منتج همان يك نتیجه است که عبارت است از محرومیت خزانه دولت از اخذ مالیات بنابر این بنده وزیر محترم عدلیه که هیچ توجه ندارند و مشغول صحبت هستند تمنا دارم که با این تبصره موافقت فرمایند

بعضی از نمایندگان -- رای بگیرد

رئیس -- آقای باسائی

باسائی -- عرض میکنم . فرمایشاتی که آقای موقر فرمودند در موقع خودش صحیح است و متأسفانه نمیدانم چه شد که ما در قانون مجازات برای قاچاقچی مجازاتی معین نکردیم و البته میباید يك موادی هم در قانون جزا باشد

که کسانی که قاچاق میکنند مجازات شوند ولی در طی قوانینی که از مجلس گذشته است گویا در قانون الغاء باج راه ها يك مجازاتی برای قاچاقچی ها تعیین شده است و حالا لزومی ندارد که در این جا قاچاقچی ها را در ردیف مختلسین حساب کنیم و اگر وقت بفرمائید تصدیق میفرمائید که جرم مختلسین خیلی شدیدتر است ، درست است که يك مقداری قاچاقچی ضرر به مملکت وارد می آورد ولی جرمیت آن به اندازه اختلاس نیست . در هر صورت بنده خیال میکنم که نمی شود قاچاقچی را در ردیف مختلس حساب کرد و نباید گذاشت در يك موقع مناسب نری يك قانون برای قاچاقچی ها وضع کرد .

رئیس -- آقای موقر

موقر -- در صورتیکه مجلس موافقت کند در آتی يك قانون مخصوصی برای قاچاق وضع کند بنده موافقت میکنم و پیشنهادم را مسترد میدارم .

وزیر عدلیه -- يك لایحه در این خصوص تهیه شده است که بعد تقدیم خواهد شد .

رئیس -- پیشنهاد آقای دهستانی .

(بنحو ذیل قرائت شد)

تبصره ذیل را پیشنهاد میکنم :

ورقه هويت مجرم مادام الحیوة دارای علامت مخصوص خواهد بود .

وزیر عدلیه -- دو مرتبه این پیشنهاد را بخوانند

(بمضمون فوق خوانده شد)

وزیر عدلیه -- بنده تمنا میکنم آقایان از این جزئیات صرف نظر فرمایند . اگر آقایان بخواهند تمام افکار خودشان را امروز روی میز بریزند بنده تصور میکنم این قانون غرق شود .

دهستانی -- چون آقای وزیر عدلیه فرمودند مسترد میدارم .

رئیس -- پیشنهاد آقای فیروز آبادی .

(بنحو ذیل خوانده شد)

بنده اصلاح ذیل را بعنوان تبصره اضافه میکنم :  
تبصره -- انفصال از خدمت دولت که در ماده سه کانه مذکور بطور موقت معین کرده ایدی خواهد بود وزیر عدلیه -- بنده گمان میکنم که آقا در این موضوع محتاج بتوضیح نخواهند بود . در آن مواد نوشته شده است که انفصال تا ده سال باشد و آقا میخواهند این انفصال دائم باشد بنده هم موافقم .

رئیس -- رأی گرفته میشود به این تبصره که ماده سوم باشد آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند (اغلب نمایندگان قیام نمودند)

رئیس -- تصویب شد . مذاکرات راجع به کلیات است . مخالفی ندارد ؟

وزیر عدلیه -- يك ماده دیگر هم بوده است

رئیس -- پیشنهاد اصلاحی که در آن شد دو ماده داشت .

وزیر عدلیه -- در لایحه اصلی که اول تقدیم کردم دو ماده داشت ، ماده اول آن در تحت دو ماده پیشنهاد شد و لایحه اصلی که بنده تقدیم کردم يك ماده دیگری هم دارد .

رئیس -- قرائت می شود

(بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده چهارم -- حکم احاله که بموجب ماده ۲۰۷ اصول محاکمات جزائی برای رسیدگی به يك دعوی از محکمه به محکمه دیگر بتوسط دیوان عالی نمیزداده می شود شامل تحقیقات مقدماتی نیز که خواه بتوسط مأمورین کشف جرائم و خواه بتوسط مستنطق بعمل می آید خواهد بود و این تقاضا ممکن است توسط مدعی العموم بدایت محکمه که قانوناً صلاحیت رسیدگی دارد یا محکمه که باید رسیدگی به آنجا احاله شود بعمل آید در هر حال وزیر عدلیه

# قانون

## مجازات مختلسین اموال دولتی

مصوب ۱۶ آذر ماه ۱۳۰۶

ماده اول - اشخاصی که قبل از تصویب اینقانون مرتکب جرمهای مشروحه در مواد ۱۵۲ و ۱۵۳ و ۱۵۷ قانون مجازات عمومی شده و در تاریخ تصویب اینقانون مرور زمان پنج سال نسبت بجرم آنها حاصل نشده باشد مطابق مواد فوق تعقیب و مجازات خواهند شد اعم از اینکه نسبت بآنها قرار منع تعقیب صادر شده یا نشده باشد و هرگاه اصل مال و غرامت مذکوره در مواد سه گانه فوق را ادا نکند مطابق ماده دوم قانون جوزای هزار و سیصد و دو حبس خواهند شد تا اصل مال و غرامت را بپردازند.

هرگاه تا پس از ده سال حبس اصل مال و غرامت پرداخته نشد ممکن است پادشاه به پیشنهاد وزیر عدلیه و تصویب رئیس الوزراء امر باستخلاص مجرم بدهد.

ماده دوم - اشخاصی که پس از تصویب اینقانون مرتکب جرمهای مندرجه در مواد سه گانه ۱۵۲ و ۱۵۳ و ۱۵۷ شوند علاوه بر مجازاتهای مذکوره در مواد فوق الذکر محکوم بمجازات ذیل خواهند شد هرگاه میزان اختلاس و انتفاع کمتر از پانصد تومان باشد حبس تأدیبی از شش ماه تا دو سال. هرگاه میزان بیش از پانصد تومان باشد حبس مجرد از دو تا ده سال.

ماده سوم - انفصال از خدمت دولت که در مواد سه گانه مذکور بطور موقت معین گردیده ابدی خواهد بود ماده چهارم - حکم احاله که بموجب ماده ۲۰۷ اصول محاکمات جزایی برای رسیدگی بیک دعوی از محکمه بمحکمه دیگر توسط دیوان عالی تمیز داده میشود شامل تحقیقات مقدماتی نیز که خواه بتوسط مأمورین کشف جرایم و خواه بتوسط مستنطق بعمل میآید خواهد بود و این تقاضا ممکن است توسط مدعی العموم بدایت محکمه که قانوناً صلاحیت رسیدگی دارد یا محکمه که باید رسیدگی بآنجا احاله شود بعمل آید در هر حال وزیر عدلیه می تواند در موارد مذکوره در ماده ۲۰۷ توسط مدعی العموم دیوان تمیز تقاضای احاله امر را از دیوان مزبور بنماید.

این قانون که مشتمل بر چهار ماده است در جلسه شانزدهم آذر ماه یکهزار و سیصد و شش شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید.

حسین پیرنیا

میتواند در موارد مذکوره در ماده ۲۰۷ توسط مدعی العموم دیوان تمیز تقاضای احاله امری را از دیوان مزبور بنماید.

رئیس - آقای یاسائی

یاسائی موافقم.

رئیس - آقای بامداد

بامداد - موافقم.

رئیس - آقای روحی

روحی - موافقم

رئیس - رأی گرفته میشود به ماده چهارم آقایان موافقین قیام فرمایند.

(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. آقای فرمند در کلیات مخالف بودند؟

فرمند - خیر، دیگر عرضی ندارم.

رئیس - مخالفی ندارد؟

(گفته شد خیر)

(مجلس بیست دقیقه بعد از ظهر ختم شد)

رئیس - رأی گرفته میشود به این قانون که مشتمل بر چهار ماده است. آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند.

(اغلب برخاستند)

رئیس - تصویب شد

بعضی از نمایندگان - ختم جلسه.

رئیس - جلسه ختم میشود، دستور جلسه آنبه بودجه مملکتی.

حاج آقا رضا رفیع - اجازه میفرمائید.

رئیس - بفرمائید.

حاج آقا رضا رفیع - اگر آقایان موافقت استدعا میکنم جلسه آنبه لایحه شهریه اولادان امین الملک مرزبان مطرح شود.

وزیر عدلیه - لایحه است راجع به انائیه ولایات تقدیم میکنم و قسمتی که راجع به اصل بوده است تقاضا میکنم به کمیسیون بودجه فرستاده شود.

رئیس - (خطاب به آقای رفیع) - این پیشنهاد خودتان را جلسه بعد بفرمائید.